

## Research Article

### Jurisprudential review of forex trading transactions<sup>1</sup>

Seyed Morteza Khatami Sabzevari<sup>2</sup>

Ali Zahiri<sup>3</sup>

Reza Andalibi<sup>4</sup>

Received: 09/02/2022

Accepted: 05/07/2023



#### Abstract

The foreign exchange market (forex), as the largest financial market in the world in terms of trading volume, is a new international market that has created a new opportunity for currency exchange and has attracted the attention of governments and nations, including Muslims. Therefore, it is necessary to understand the relevant rules and regulations of this market and to examine its jurisprudential issues. Since no comprehensive research has been conducted on the jurisprudential examination of the principle of entering this market and its branches and details, this article examines the evidence of the prohibition of entering this market, which has been raised by the Central Bank and the Stock Exchange Organization, and does not fully understand the evidence of the prohibition of entering it, and on the other hand, it examines the legitimacy of opening an account in this market and analyzes the three forms of transactions

1. This article is taken from the foreign jurisprudence course of Professor Ali Andalibi, which was prepared and compiled with the support of the contemporary jurisprudence office.
2. 4th Level, Qom Seminary, Qom, Iran. (Corresponding Author). mortezakhatami1364@gmail.com
3. Higher Course, Qom Seminary, Qom, Iran. alizahiri110@gmail.com
4. 4th Level, Qom Seminary, Qom, Iran. ra32813398@gmail.com

\* Khatami Sabzevari, S. M., Zahiri, A. & Andalibi, A. (1402 AH). Jurisprudential review of forex trading transactions. *Journal of Fiqh*, 30(114), pp. 67-97. Doi: 10.22081/jf.2023.63148.2445.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

(normal transactions, margin transactions, and contract for difference (CFD)) in this market from a jurisprudential perspective. The result is that there are eight forms of transactions in the first form, most of which are not valid, but in the second form, in addition to the previous problems, the problem of usury is also raised, which is void in case of dealing with the same type of currency, and the ruling is different according to different jurisprudential foundations. In the third form, which is based on the fluctuation of currency prices, the legitimacy of it is examined according to different foundations, and various possibilities regarding the nature of this transaction are raised. In addition, details such as whether the transaction is carried out by the person or the agent or whether the transaction is normal or virtual are also considered. Of course, it is clear that achieving this goal is possible through describing and analyzing jurisprudential propositions by collecting library data.

### **Keywords**

Foreign exchange market, currency exchange, new transactions, contract for difference (CFD).



**مقاله پژوهشی**

**بررسی فقهی معاملات بازار فارکس<sup>۱</sup>**

سیدمرتضی خاتمی سبزواری<sup>۲</sup>      علی ظهیری<sup>۳</sup>      رضا عندلیبی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

© Author (s)



۶۷



بررسی فقهی معاملات بازار فارکس

**چکیده**

«بازار فارکس» به عنوان بزرگ‌ترین بازار مالی دنیا به لحاظ حجم معاملات، از جمله بازارهای جدید بین المللی به شمار می‌آید که فرصت تازه‌ای برای تبادل ارز را فراهم ساخته و مورد توجه بیشتر دولت‌ها و ملت‌ها از جمله مسلمانان است؛ بدین جهت شناخت احکام مرتبط با این بازار و بررسی مباحث فقهی آن ضرورت دارد. از آنجا که تحقیق جامعی در موضوع بررسی فقهی اصل ورود به این بازار و فروع و تفصیلات آن انجام نگرفته، این مقاله از یک جهت ادله ممنوعیت ورود به این بازار را که از سوی بانک مرکزی و سازمان بورس مطرح شده بررسی می‌کند و ادله ممنوعیت ورود به آن را تمام نمی‌داند و از جهتی دیگر به بررسی فقهی مشروعیت افتتاح حساب در این بازار و تحلیل شکل‌های سه‌گانه معاملات (معاملات عادی، معاملات مارجینی (اهرمی) و معاملات مابه‌التفاوت (CFD)) در این بازار می‌پردازد. نتیجه اینکه در مجموع هشت اشکال بر شکل اول این معاملات وارد است که اکثر آنها صحیح نیست؛ اما در شکل دوم، افزون بر اشکالات پیشین، اشکال ربوی بودن نیز مطرح می‌شود که در صورت معامله با عین مال، باطل و در کلی فی‌الذمه طبق مبانی مختلف، حکم متفاوت می‌شود. در شکل سوم نیز که بر

۱. لازم به ذکر است این مقاله برگرفته از درس خارج فقه بورس استاد علی عندلیبی است که با حمایت دفتر فقه معاصر تهیه و تدوین شده است.

۲. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. قم، ایران (نویسنده مسئول). mortezakhatami1364@gmail.com

۳. دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم. قم، ایران. alizahiri110@gmail.com

۴. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. قم، ایران. ra32813398@gmail.com

\* خاتمی سبزواری، سیدمرتضی؛ ظهیری، علی و عندلیبی، رضا. (۱۴۰۲). بررسی فقهی معاملات بازار فارکس.

فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۴)، صص ۶۷-۹۷. Doi: 10.22081/jf.2023.63148.2445

اساس نوسان گیری قیمت ارزها انجام می گیرد، ادله مشروعیت آن طبق مبانی مختلف بررسی می شود و احتمال های گوناگون در مورد ماهیت این معامله مطرح می گردد. افزون بر این، تفصیلاتی از قبیل اینکه معامله از سوی خود شخص یا کارگزار محقق شود یا اینکه معامله به صورت عادی یا صوری انجام شود نیز مدنظر قرار می گیرد. البته روشن است که نیل به این مقصود، در سایه توصیف و تحلیل گزاره های فقهی با گردآوری داده های کتابخانه ای میسر است.

### کلیدواژه ها

بازار فارکس، تبادل ارز، معاملات جدید، معامله مابه التفاوت.



## مقدمه

یکی از بازارهای جدید بین‌المللی «بازار فارکس» است. بازار تبادل ارز خارجی یا فارکس<sup>۱</sup>، یک بازار نامتمرکز دو طرفه، برای تبادل و معامله‌گری ارز در فضای اینترنتی است. این بازار نرخ تبدیل ارز را برای همه ارزها تعیین می‌کند. در حال حاضر فارکس به لحاظ حجم معاملات، بزرگ‌ترین بازار مالی جهان است<sup>۲</sup>. ساده‌ترین تعریف برای «داد و ستد» در این بازار، «تبدیل یک ارز به ارز دیگر است» که حجمی از این تبادلات به منظور خرید و فروش کالا یا خدمات شرکت‌ها و دولت‌ها، خرید جهان‌گردان، سرمایه‌گذاری اشخاص یا بنگاه‌ها در یک کشور مورد استفاده می‌باشد. در این بازار، تمامی بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی بزرگ، شرکت‌های چند ملیتی...، ارزهای مختلف کشورها را داد و ستد می‌کنند<sup>۳</sup>.

گفتنی است متخصصان کشورهای دنیا در مورد مشروعیت معاملات این بازار نظرهای مختلفی دارند و بیشتر کشورهای دنیا آن را قانونی می‌دانند. برخی قوانین سختی بر آن وضع کرده‌اند و برخی دیگر با توجه به اینکه این معاملات در بستر اینترنت انجام می‌گیرد و قابل مدیریت نیست، آن را غیرقانونی می‌دانند<sup>۴</sup>. پیش از بررسی مسئله تحقیق، یادآوری چند نکته لازم است:

### ۱. پیشینه

در فضای اسلامی نیز تبادل ارز، چه به شکل نوین یا سنتی آن، پیشینه تاریخی دارد؛ مثل معامله درهم با دینار و یا معامله دینار کوفی با دینار شامی و ... . راویان نیز در این زمینه (تبادل ارز) از ائمه علیهم‌السلام پرسش‌هایی کرده‌اند که در «ابواب الصرف» کتاب‌های روایی آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۰۸-۱۶۵)؛ از این رو به احکام این نوع از تبادلات در

1. Foreign exchange market
2. <https://nezarat.com/training>.
3. <https://fa.wikipedia.org/wiki> (<https://b2n.ir/n97144>)
4. <https://kharazmi.net> (<https://b2n.ir/f18008>)

کتاب‌های فقهی توجه شده است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۲). هر چند بعضی از ابعاد معاملات بازار فارکس در برخی مقالات از جمله: تحلیل فقهی بازار بین‌المللی فارکس با تکیه بر ممنوعیت آن در قوانین ایران (نوری و همکاران، ۱۳۹۸)؛ تبیین ماهیت و چیستی بازار فارکس و بایسته‌های آن در فقه و حقوق ایران (برارپور، ۱۳۹۷) و موضوع‌شناسی بازار فارکس (طباطبایی‌نژاد، ۱۴۰۰) بررسی شده، لکن مقاله یا کتابی که به بررسی تفصیلی فقهی هر سه شکل از این معاملات (عادی، معاملات مارجینی (اهرمی) و معاملات مابه‌التفاوت (CFD)) پردازد، یافت نشد. پیش از بررسی مسئله تحقیق، یادآوری چند نکته لازم است:

### ۱-۱. ماهیت فارکس

در مورد ماهیت معاملات فارکس احتمال‌هایی مطرح است که در ضمن بررسی ادله، به آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۱. معاملات فارکس در ایران

اگرچه بررسی فقهی یک مسئله، به کشور یا منطقه خاصی اختصاص ندارد، از آنجا که در ایران بانک مرکزی و سازمان بورس این معاملات را ممنوع اعلام کرده‌اند، ضروری است مشخص شود که آیا این ممنوعیت، حکمی تکلیفی است یا وضعی؟ به عبارت دیگر آیا این منع قانونی توسط بانک مرکزی، یک ماده قانونی مصوب تلقی می‌شود که بنابر این فرض اگر شخصی در بازار فارکس معامله‌ای انجام داد، مالک ارزی که خریداری کرده، نمی‌شود یا اینکه معامله فی‌نفسه به لحاظ شرعی، صحیح است و نهایت اینکه شخص مرتکب خلاف قانون شده و از این جهت مجرم تلقی می‌شود؟

پاسخ به تکلیفی یا وضعی بودن، به بحث اصولی دلالت نهی بر فساد معامله یا حکم حکومتی، بی‌ارتباط نخواهد بود؛ اگر بپذیریم که ولی امر می‌تواند به بانک مرکزی و یا سازمان بورس چنین اختیاری دهد که حکم وضعی جعل کنند و آنها نیز بر فرض، حکم

به بطلان معاملات بازار فارکس کرده باشند، در این فرض، معاملات به حکم حکومتی باطل خواهد شد؛ اما اگر گستره ولایت ولی فقیه صرفاً محدود به امر و نهی باشد، از ممنوعیت بانک مرکزی نمی‌توان بطلان معاملات را استفاده کرد. البته ممکن است ادعا شود که عبارت «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷) اطلاق دارد و شامل احکام وضعی نیز می‌شود؛ اما اکثر فقیهان چنین سعه‌ای را نپذیرفته‌اند (حائری، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۹۸-۱۰۰؛ سبحانی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، صص ۵۳۴-۵۳۵). در نتیجه پاسخ به سؤال، مبنایی خواهد بود.

درباره اطلاعیه‌ای که بانک مرکزی ایران در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۶<sup>۱</sup> و سازمان بورس در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۶<sup>۲</sup> صادر کردند و در پی آن، فعالیت تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بازار فارکس غیرقانونی اعلام شد، از چند جهت اشکال شده است:

اولاً سازمان بورس و بانک مرکزی، اختیار تصویب چنین مصوبه‌ای را نداشته‌اند؛ زیرا ممنوعیت معامله در بازار فارکس، از امور تقنینی است که تنها با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت، به قانون تبدیل می‌شود و سازمان بورس و بانک مرکزی، قانون‌گذار نیستند و تنها حق صدور بخشنامه یا دستورالعمل در حیطه کاری خود را دارند.

ثانیاً بانک مرکزی حق صدور بخشنامه یا دستورالعملی در امور مربوط به بازار را ندارد. به عبارتی هرچند معاملات بازار فارکس، به ارز و پول مربوط می‌باشد، حدود اختیارات بانک مرکزی در مسائل مربوط به امور بانکی و ملحقات آن است و آنچه مرتبط با بازار و نظارت بر آن است، در اختیار بانک مرکزی نمی‌باشد. همین نکته در مورد سازمان بورس نیز قابل ادعا و بررسی است.

ثالثاً اگر این ممنوعیت از راه قانونی نیز تصویب شود، بازار فارکس تنها در ایران ممنوع می‌شود؛ ولی ما در پی کشف حکم شرعی اولی این معاملات هستیم، نه حکم

1. <https://www.cbi.ir/showitem/2175.aspx>

2. <https://www.sena.ir/news/5796>

شرعی معاملات فارکس در ایران؛ از این رو اگر مشروعیت اصل این معاملات اثبات شود، مکلفین مسلمان در دیگر کشورها - هر چند ایرانی باشند - می‌توانند وارد این معاملات شوند. همان‌طور که در بیشتر کشورهای دنیا، به‌جز چند کشور محدود این معاملات قانونی است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. ادله حرمت اصل معاملات فارکس

#### ۱-۳-۱. حرمت به خاطر ضررزدن به کشور

همان‌طور که در اطلاعیه بانک مرکزی نیز آمده، برخی این‌گونه استدلال کرده‌اند که «این عمل مفسده دارد و مفسده آن خروج ارز از کشور است که موجب کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی می‌شود و آسیب‌های فراوانی به اقتصاد کشور وارد می‌کند؛ لذا ورود به این بازار حرام است».

#### نقد

اولاً این مطلب یک ادعاست و به بررسی کارشناسی نیاز دارد و لازم است این ادعا به نهادی مستند باشد که کارشناسی آن را به عهده داشته است.

ثانیاً باید از جهت کبروی مشخص شود که چه مقدار از ضررزدن به اقتصاد کشور، موجب مفسده ملزمه و در نتیجه حکم به حرمت می‌شود و سپس بحث شود که آیا ضرری که ورود به بازار فارکس دارد، به آن حدّ از مفسده می‌رسد یا خیر؟

ثالثاً باید مشخص شود که تشخیص این مسئله بر عهده چه کسی است؟ آیا خود معامله‌گر مرجع در تشخیص است و یا سازمان بورس و یا تشخیص مصلحت نظام؟

رابعاً بر فرض که ورود به این بازار به دلیل ضربه‌زدن به کشور، حرام باشد، ولی چون نهی متعلق به خود بیع بما هو بیع نگردیده، نمی‌توان به بطلان معامله حکم کرد. افزون بر اینکه حتی اگر از خود معامله هم نهی شده باشد، طبق برخی مبانی، نهی از

1. <https://kharazmi.net> (<https://b2n.ir/f18008>)



معاملات موجب فساد معامله نمی شود (آخوند خراسانی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷).

خامساً آنچه در نهایت این استدلال اثبات می کند، حکم معاملات فارکس در ایران به حکم ثانوی است؛ یعنی در شرایط کنونی ایران که از نظر اقتصادی با چالش های عمده بیرونی مواجه است، معاملات فارکس در ایران ممنوع می باشد؛ ولی این استدلال نسبت به حکم اولی و فی نفسه فارکس ساکت است و نسبت به اصل انجام این معامله و یا انجام این معامله در دیگر کشورها مطلبی را بیان نمی کند.

### ۱-۳-۲. صوری بودن معاملات در بازار فارکس

برخی معتقدند معاملاتی که در بازار فارکس انجام می شود، صوری است و از این رو معاملات در این بازار همگی باطل و غیر مشروع است.<sup>۱</sup>

### اشکال این دیدگاه

شرکت های بسیاری هستند که به جهت نیاز به دلار یا یورو از طریق بازار فارکس اقدام به خرید و فروش می کنند؛ اینها در حقیقت قصد معامله و مبادله دارند و در پی ضربه زدن به دیگران و... نیستند، آیا چنین معاملاتی صوری است؟! بر فرض هم بخشی از معاملات فارکس صوری باشند، چرا باید به بطلان معاملات واقعی این بازار حکم شود؟!

### ۱-۳-۳. حرمت به خاطر قمار بودن بازار فارکس

چه بسا ادعا شود بازار فارکس، نوعی قمار یا شبیه به قمار است و بدین جهت، حرام است.

### نقد

آنچه در این بازار اتفاق می افتد این است که دو طرف، دو ارز را مبادله می کنند و

۱. نظر آیت الله صافی گلپایگانی به نقل از: <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa7782>.

ممکن است یک طرف ضرر کند؛ از این رو این شکل از معامله، قمار نیست؛ اگرچه برخی از مفاسد قمار (متضرر شدن یک طرف) در برخی از معاملات فارکس نیز وجود داشته باشد؛ ولی این مطلب به تنهایی برای حکم به حرمت کافی نیست و سرایت حکم قمار به صرف این مشابهت، قیاس خواهد بود؛ به خصوص که این مفاسد نیز تنها در بخشی از معاملات فارکس وجود دارد؛ از این رو با پذیرش همه مقدمات، همچنان نمی‌توان بر حرمت و بطلان تمام معاملات بازار فارکس حکم کلی کرد.

## ۲. مبحث اول: افتتاح حساب در بازار فارکس

در حساب‌های واقعی معاملاتی، دو نوع حساب می‌توان افتتاح کرد:

### ۱-۲. نوع اول: حساب عادی

در این نوع از افتتاح حساب، شخص بعد از افتتاح، ۱۰۰ دلار مثلاً به حساب واریز می‌کند و سپس با این ۱۰۰ دلار به تدریج معاملاتی انجام می‌دهد. طرف حساب، کارگزاری است که به طور عمده اعتماد عقلایی میان او و مالک وجود دارد؛ از این رو پس از افتتاح حساب و واریز پول، ۱۰۰ دلار را در حساب خود نزد کارگزاری دارد. چنین افتتاح حسابی، مشکل شرعی ندارد و شخص نیز مالک ۱۰۰ دلاری می‌باشد که نزد کارگزار دارد؛ زیرا اطمینان عقلایی به کارگزار وجود دارد.

### ۲-۲. نوع دوم: حساب مارجینی یا اهرمی

در این نوع از افتتاح حساب، شخص مثلاً با یک دلار حساب باز می‌کند، ولی هنگام معامله، کارگزار ۹۹ دلار به پول او اضافه می‌کند و او با ۱۰۰ دلار معامله انجام می‌دهد. مقدار زیادی نیز که کارگزار پرداخت می‌کند در قالب قرض به شخص داده می‌شود که به دو صورت عملیاتی می‌شود:

گاهی این قرض رایگان است و هیچ سودی در مقابل آن از سرمایه‌گذار گرفته

نمی‌شود که اگر در واقع همین باشد، این حساب نیز همانند حساب‌های عادی مشروع خواهد بود؛ زیرا قرضی غیر ربوی است؛ اما گاهی کارگزار قرض می‌دهد به شرطی که درصدی نیز به خود او داده شود که باید مشخص شود باید درصدی از سود حاصله به کارگزاری داده شود و یا ارتباطی به مقدار سود و زیان شخص معامله‌گر ندارد؛ در هر صورت باید آن درصد به کارگزاری داده شود که در این صورت به یقین قرض ربوی است و حرام خواهد بود. حال پرسش این است که آیا در قرض ربوی، افزون بر ارتکاب حرام، اصل قرض نیز باطل می‌شود و شخص مالک قرض نشده است و یا اینکه قرض صحیح است و صرفاً مقدار زیادی و ربای آن اشکال دارد و کارگزار مالک مقدار زیادی و سود نمی‌شود؟

البته هنگامی که شخصی افتتاح حساب می‌کند، کارگزار همان لحظه به او قرض نمی‌دهد تا بیان شود با افتتاح حساب، قرض ربوی رخ داده است؛ بلکه در هنگام معامله حساب شارژ می‌شود؛ از این رو در زمان افتتاح حساب خلاف شرعی رخ نداده است، بلکه صرفاً مقدمه‌ای برای کار حرام محقق شده و مقدمه حرام نیز در جای خود ثابت شده که حرام نیست (آخوند خراسانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۸). در نتیجه افتتاح حساب اهرمی اشکالی ندارد و در نهایت هنگامی که شخص قرض می‌گیرد (در هنگام معامله)، مرتکب خلاف شرع خواهد شد.

### ۳. مبحث دوم: بررسی مشروعیت صورت‌های معاملات در بازار فارکس

#### صورت‌های مسئله:

#### ۱-۳. صورت اول: معاملات نقدی معمولی

این صورت، ساده‌ترین نوع معامله در بازار فارکس است که شخص از طریق فضایی که کارگزاری در اختیار او قرار داده، وارد بازار می‌شود و مثلاً ۱۰۰ دلار خود را به صورت نقد با مقداری یورو مبادله می‌کند و یوروی خود را تحویل می‌گیرد.

این صورت به دو شکل قابل تصور است:

### ۱-۱-۳. شکل اول: معامله توسط خود شخص

معامله گر خودش به طور مستقیم این کار را انجام می‌دهد، این معامله به لحاظ هدف و غرض از معامله به دو نوع تقسیم می‌شود:

#### ۱-۱-۳-۱. نوع اول: معاملات عادی

در این نوع از معامله، هدف معامله گران رفع نیازهای روزمره است و قصد واردات کالایی را دارند؛ بدین جهت نیازمند ارزش خاصی مانند یورو هستند. چنین معاملاتی مشمول عموماً و اطلاعات و بنای عقلاً خواهند شد. البته اشکالاتی در مورد مشروعیت این نوع از معامله وجود دارد که این اشکال‌ها، هم در این فرض و هم در فرض بعدی قابل طرح است:

#### اشکال اول

با توجه به شرایطی که در فقه برای متعاقدين در معامله آمده است، باید گفت این شرایط میان دو طرف در بازار فارکس، محرز نیست؛ زیرا اگرچه در معامله به لحاظ اینکه طرف مقابلش شرکت‌ها و اشخاص حقوقی باشند، اشکالی نیست؛ اما اگر مشخص نباشد که طرف دیگر معامله شخص حقوقی است یا شخص حقیقی و یا اینکه می‌دانیم شخص حقیقی است، ولی معلوم نیست شرایط معامله مثل بلوغ و عدم حجر و ... را دارد یا نه، معامله باطل خواهد بود.

#### پاسخ اول

بر اساس حساب احتمالات، احتمال اینکه شخص مقابل غیربالغ یا غیررشید باشد، به حدی کم است که انسان اطمینان می‌کند طرف مقابل، بالغ و رشید است؛ از این رو با توجه به حجیت اطمینان، این معامله صحیح است.

## پاسخ دوم

نسبت به شرط بلوغ و رشد اشکالی مبنایی مطرح است؛ یعنی بر مبنای کسانی که معامله با صبی را صحیح می‌دانند، چنین اشکالی وارد نیست.

البته مشهور فقیهان معتقدند بلوغ و رشد، شرط معاملات می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۶۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۷۵) و از مجموع ادله نیز شرطیت بلوغ و رشد در معاملات (آیه (نساء، ۶) و روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، صص ۳۶۳-۳۶۴)) استفاده می‌شود؛ از این رو نمی‌توان در اصل اشتراط بلوغ و رشد متعاقدين، برای نفوذ معاملات تشکیک کرد.

در نهایت اگر کسی پاسخ اول را پذیرفت، مسئله حل شده است؛ اما اگر کسی به چنین اطمینانی نرسد، امکان استفاده از اصالةالصحة نیست؛ زیرا این اصل، به جایی مربوط است که شخص عملی را انجام داده است، ولی نمی‌داند که عمل او صحیح بوده یا خیر؛ اما در این بحث قرار است عملی که هنوز محقق نشده و قصد انجام آن است، حمل بر صحت شود.

بهره‌گیری از عمومات و اطلاقات: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، ۲۷۵) و «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»: (مائده، ۱) نیز در اینجا راه ندارند؛ زیرا این موارد مصداق تمسک به عمومات در شبهه مصداقی خواهد بود که جایز نیست. نتیجه اینکه با فقدان ادله اجتهادی به جهت تصحیح این معامله، باید به سراغ اصول عملی رفت:

در فرض شک در بلوغ و رشیدبودن طرف دیگر معامله، استصحاب عدم بلوغ و عدم رشد جاری می‌شود؛ از این رو معامله در این دو فرض باطل می‌شود. نسبت به شک در عدم محجوریت طرف مقابل نیز از آنجا که در زمان قبل این شخص محجور (از باب مفلس و...) نبوده است - یعنی منعی برای تصرف در اموالش نداشته است - استصحاب عدم حجز جاری می‌شود و این معامله صحیح است.

اگر به هر دلیلی استصحاب عدم بلوغ و عدم رشد جاری نشود، می‌توان گفت خریدار یورو پیش از انجام معامله به یقین مالک فلان مقدار دلار بوده و آن مقدار یورو در ملک او وارد نشده بود، حال که شک دارد آن یورها در ملک او وارد شده یا خیر، استصحاب عدم دخول یورو در ملک خریدار و استصحاب عدم خروج دلار از ملک

خریدار و استصحاب عدم خروج یورو از ملک فروشنده و استصحاب عدم دخول دلار در ملک فروشنده جاری می‌شود که نتیجه این استصحاب‌ها نیز فساد و بطلان معامله می‌باشد. البته در مواردی که احراز شود طرف دیگر معامله، شرایط و اهلیت معامله را دارد، این اشکال وارد نیست.

### اشکال دوم

از آنجاکه این معامله به صورت اینترنتی و در فضای مجازی واقع شده است، دارای انشاء عقد و... نیست؛ بلکه صرفاً با زدن چند دکمه، معامله انجام می‌شود. در این موارد اصلاً عقد و معامله‌ای محقق نشده و چه بسا خریدار برای سیستم، زمان خاصی را برای انجام معامله تعیین کند و خودش در آن زمان، خواب باشد؛ پس اصلاً معلوم نیست این معامله، معامله‌ای حقیقی باشد یا نه؟

### پاسخ اشکال دوم

این شبهه به بازار فارکس اختصاص ندارد و درباره بسیاری از معاملاتی که در فضای مجازی انجام می‌شود، نیز جریان دارد. اگر معتقد باشیم «معاطات» تابع شرایط مکان و زمان است، به این نتیجه می‌رسیم که معامله در فضای مجازی، نوعی معامله معاطاتی است و وقتی خریدار یا فروشنده دکمه را می‌زنند، نوعی معاطات از ناحیه آنها محسوب می‌شود. این مسئله شبیه مسئله‌ای است که شیخ انصاری در ذیل بحث «وضع الدرهم فی کوز الحمامی» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۱۳) بیان می‌کند که حمامی کاسه‌ای قرار داده و چه بسا خود او خواب باشد، ولی وقتی شخصی به حمام می‌رود و سکه را در کاسه قرار می‌دهد، معامله معاطاتی دوطرف محقق می‌شود.

### اشکال سوم

در معامله در فضای مجازی، قبض و اقباض محقق نمی‌شود و این معامله در حقیقت بیع کالی به کالی است؛ زیرا دوطرف چیزی تحویل نگرفته‌اند و صرفاً ۱۰۰ دلار از حساب یک طرف به حساب طرف دیگر و ۵۰ یورو نیز از حساب طرف دیگر به حساب او منتقل شده است؛ از این رو این بیع اشکال دارد.

## پاسخ اشکال سوم

اگر پذیرفته شود که بیع کالی به کالی باطل است که از نظر ما باطل نیست (ر.ک: عندلیبی ۱۴۰۰، ج ۱، صص ۲۴۳ - ۲۹۹)، از پاسخی که به اشکال دوم داده شد، مشخص می‌شود قبض و اقباض هر زمانی، به تناسب زمان و مکان و دیگر شرایط می‌باشد؛ یعنی همین که پول به حساب شخص وارد می‌شود، قبض از ناحیه او تلقی می‌شود و همین که از حساب او خارج می‌شود، اقباض خواهد بود؛ بنابراین همان گونه که زدن دکمه، انشاء معاطاتی است، ورود در حساب طرف دیگر نیز، عرفاً قبض و اقباض محسوب می‌شود و همین مقدار کافی است.

### ۳-۱-۲. نوع دوم: معاملات صوری

اکثر افرادی که در این بازار معاملاتی را انجام می‌دهند، در پی سود و درآمدزایی هستند؛ به عبارت بهتر دوطرف معامله گر نیستند، بلکه بازیگر هستند؛ از این رو شخص آن قدر به معامله می‌پردازد تا سود ببرد و در این موارد سود بردن یک طرف، ملازم با ضرر کردن طرف دیگری است و چه بسا در برخی معاملات اهرمی، یک طرف به حدی ضرر می‌کند که حساب او صفر می‌شود. البته باید توجه داشت که در این نوع از معامله، هر چند قصد دو طرف بازیگری است، در هر معامله ارزشها از حسابی به حساب دیگری منتقل می‌شود؛ از این رو در هر معامله تسویه فیزیکی محقق می‌شود؛ پس معامله انجام شده است، ولی هدف از هر معامله این است که طرف مقابل ضرر کند و خود او سود کند.

اشکالاتی که در نوع اول مطرح شد، در این نوع نیز قابل طرح و جواب است؛ از این رو اشکال اول که در برخی فرضها وارد بود، در این نوع نیز در همان فرضها وارد است؛ ولی در اینجا افزون بر سه اشکال قبلی، اشکالهای جدیدی هم مطرح است:

## اشکال چهارم

چنین معامله‌ای ضرری است و قاعده «لاضرر» مانع از صحت این معامله می‌شود؛

زیرا شخص قصد دارد برای سود خود به طرف مقابل ضرر بزند؛ بر اساس قاعده «لاضرر» معامله‌ای که به ضرر منجر شود، باطل است.

### پاسخ اشکال چهارم

اگر مفاد این قاعده، نفی حکم ضرری باشد، باید به لحاظ صغروی و کبروی بررسی شود که می‌تواند به بطلان معامله منجر شود یا خیر؟ اما فارغ از این مسئله می‌توان گفت: اولاً طرف معامله، به طرف دیگر ضرر نمی‌زند؛ بلکه نوسان بازار به ضرر یک طرف منجر می‌شود؛ از این رو این معامله از مصادیق معامله ضرری نیست؛ زیرا معامله به شخص ضرر نزده است.

ثانیاً حتی بر فرض که معامله ضرری باشد، خود شخص به این کار اقدام کرده است؛ زیرا علم داشته که ممکن است ضرر کند و نوسانات به نفع او نباشد؛ از این رو مغرور و فریب خورده نیست و ادله «لاضرر» شامل مواردی که شخص خودش اقدام به ضرر کرده باشد، نمی‌شود.

### اشکال پنجم

این معامله غرری و باطل است؛ زیرا مشخص نیست که چه کسی سود می‌کند و چه کسی ضرر می‌کند؛ از این رو مشمول «نهی النبی عن بیع الغرر» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۴۸) خواهد بود.

### پاسخ اشکال پنجم

غرر دو معنا دارد؛ خطر و جهالت؛ اگر غرر به معنای خطر باشد، پاسخ این است که دوطرفی که اقدام بر این معامله کرده‌اند، هر دو این احتمال را می‌دهند که ارزشها گران یا ارزان بشود؛ اما باید مشخص شود که ریسک (خطر) تا چه حدی در فقه ممنوع است و آیا هر نوع ریسکی حرام است؟ و اگر غرر به معنای جهالت باشد، عوض و معوض در این معامله مشخص است و مجهول نیست که غرری باشد.

### اشکال ششم

ادله صحت معاملات (بنای عقلا و اطلاقات و عموماً) شامل نوع دوم از معاملات



نمی‌شوند. در مورد بنای عقلا - که مهم‌ترین دلیل است - می‌گوییم بنای عقلا این است که با یکدیگر خرید و فروش انجام می‌دهند و از این طریق، نیازهای زندگی‌شان را تأمین می‌کنند. معلوم نیست بنای عقلا صورتی را که اشخاص بنای بر بازیگری و تحصیل سود بیشتر و ثروت‌اندوزی دارند و قصدشان رفع نیاز نیست، شامل شود. بنای عقلا، دلیل لفظی نیست که لسان داشته باشد و بتوان به اطلاق آن تمسک کرد؛ بلکه دلیلی لئی است و از این رو باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد؛ بنابراین در صورتی که نسبت به شمول بنای عقلا در مورد نوع دوم از معاملات شک داشته باشیم، بنای عقلا بر مشروعیت و صحت چنین بیعی ناتمام خواهد بود و نمی‌توان صحت عندالشارع را کشف کرد؛ از این رو به سراغ اصالة الفساد می‌رویم که در اینجا استصحاب ملکیت برای مالک ارز و استصحاب عدم ملکیت برای شخص مقابل است.

دلیل دوم صحت معاملات، اطلاقات و عموماتی همچون: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»، «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» است که باید مشخص شود آیا این موارد اطلاق و عمومیت دارند که این نوع معامله را نیز شامل شوند یا نه؟ در مورد اطلاقات آیات، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: مقصود از بیع، عقد و تجارتي که در آیات «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»، «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» آمده، بیع، عقد و تجارتي است که مورد قبول شارع است؛ در این صورت این اطلاقات و عمومات قابل تمسک نیستند؛ زیرا سؤال می‌شود که آیا این بیع و عقد مورد قبول شارع هست یا خیر؟

نظریه دوم: این خطاب‌ها ملغای به عرف است و مقصود از بیع، عقد و تجارت در این ادله، عقود و بیع‌هایی است که عرف آنها را صحیح می‌داند و شارع، تجارتي را که عقلا بما هم عقلا انجام می‌دهند، امضا کرده است. حال با توجه به اینکه در مورد بنای عقلا مناقشه شد، تمسک به اطلاق و عموم این ادله، تمسک به عام در شبهه مصداقی خود دلیل می‌شود که صحیح نیست؛ زیرا وقتی بنای عقلا احراز نشده باشد، نمی‌توان ادعا کرد که آن امر عقلایی و عرفی است و امضا شده است.

حال که معاملات بازیگران، مشمول بنای عقلا نیست و یا احراز آن مشکوک است،

صحت این نوع از معاملات زیر سؤال می‌رود؛ زیرا شک در صحت معامله، ملازم با فساد آن معامله است؛ چون استصحاب عدم دخول در ملک دیگری و استصحاب بقای ملکیت و استصحاب عدم نقل و انتقال جاری می‌شود؛ پس این نوع از معامله باطل است.

### اشکال هفتم

با تتبع در آیات و روایات و سیره ائمه علیهم‌السلام در می‌یابیم که مذاق شارع بر خلاف این نوع از معاملات است و معاملات بازیگران با مذاق شارع سازگار نیست؛ زیرا کسی که آیات و روایات را تتبع کند، وقتی موارد مختلف و متعددی از زکات، خمس، بیع، اجاره، مضاربه، احتکار، خیارات و... را ملاحظه کند، احراز می‌کند که «مذاق شرع بر اساس سعی و عمل و کوشش است؛ نه بر اساس بازیگری و ثروت‌اندوزی از این طریق»؛ از این رو این گونه معامله کردن با مذاق شارع سازگاری ندارد.

### بورسی اشکال

این اشکال بر تتبع کامل در آیات و روایات و سیره ائمه علیهم‌السلام متوقف است و نمی‌توان به صورت کامل این ادعا را پذیرفت. البته کشف چنین مذاقی برای شارع بعید نیست و امکان صحت دارد.

### اشکال هشتم

باید توجه داشت که این اشکال به هر دو نوع از صورت اول وارد است و به نوع دوم اختصاص ندارد.

بنابر این فرض که معامله اهرمی باطل باشد، شخصی که به صورت اول (عادی) اقدام به معامله می‌کند، نسبت به طرف مقابل، شبهه مصداقی دارد؛ یعنی نمی‌داند که طرف مقابل نیز معامله یکک به یکک (صورت اول) انجام می‌دهد و یا معامله اهرمی (صورت دوم)؛ به عبارتی نمی‌داند که طرف مقابل از اهرم استفاده کرده یا بدون استفاده از اهرم اقدام به معامله کرده است؛ بنابراین با فرض بطلان معامله اهرمی، نسبت به نوع معامله طرف مقابل شبهه مصداقی وجود دارد که اگر طرف مقابل از اهرم استفاده کرده باشد، با اموالی وارد معامله شده که خود او مالک نشده است؛ زیرا قرض ربوی گرفته

است؛ بنابراین چون نمی‌دانیم که طرف مقابل از اهرم استفاده کرده یا نه، در صحت این معامله شک می‌کنیم. البته این اشکال بر کسی که به صحت معامله اهرمی قائل باشد، وارد نیست.

### پاسخ اشکال هشتم

در مجموع بر دو نوع از معاملات شکل اول هشت اشکال مطرح شد که دو اشکال از آنها مربوط به معلوم نبودن شرایط طرف مقابل بود که پیش‌تر به عنوان پاسخ به اصالة الصحة تمسک شد که اثبات این اصل، بر اثبات سه جهت مبتنی است:

جهت اول: اصالة الصحة به مسلمانان اختصاص نداشته باشد و اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان باشد.

جهت دوم: اصالة الصحة به فعل غیر اختصاص نداشته باشد و نسبت به افعال خود شخص نیز جاری شود.

جهت سوم: شک در صحت اعم از حین عمل و بعد از عمل باشد.

بر اساس مفاد حکم عقل (جلوگیری از اختلال نظام)، بنای عقلا و روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۹ و ج ۲۷، ص ۲۹۲) اصالة الصحة به صورت مطلق جاری می‌شود؛ بنابراین در معاملات فارکس اگر شک داشته باشیم که طرف مقابل شرایط صحت معامله را دارد یا نه، اصالة الصحة جاری می‌شود و در نتیجه معامله صحیح خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه هرچند در پاسخ به اشکال اول گفتیم بر اساس حساب احتمالات، احتمال اینکه شخص مقابل، غیربالغ یا غیررشید باشد، به حدی کم است که انسان اطمینان می‌کند طرف مقابل، بالغ و رشید است و از این رو با توجه به حجیت اطمینان، این معامله صحیح است؛ اما این پاسخ تنها در مورد شرط بلوغ و شرط رشد جاری است و نسبت به دیگر شرایط این چنین نیست؛ مثل اینکه شک داریم معامله طرف مقابل عادی است و یا اهرمی، که در نتیجه با پول قرض ربوی، اقدام به معامله کرده باشد؛ از آنجایی که بیشتر معاملات فارکس اهرمی است، در مورد این شک، بر اساس حساب احتمالات، به اطمینان نمی‌رسیم و چه بسا بتوان ادعا کرد که اطمینان داریم طرف مقابل با معامله اهرمی وارد معامله شده است. با توجه به این اطمینان، دیگر

نمی‌توان اصاله‌الصحة را در این مورد جاری کرد؛ زیرا شك نداریم، بلکه به اهرمی بودن معامله طرف مقابل اطمینان داریم که با فرض باطل بودن معاملات اهرمی، این معامله نیز باطل می‌شود.

### ۲-۱-۳. شکل دوم: انجام معامله توسط کارگزار

اگر معامله بالمباشره نباشد، بلکه شخص، کارگزار را در انجام دادن معاملات وکیل کند، در این صورت نیز همه اشکال‌های پیشین مطرح می‌شوند و افزون بر آنها، اشکال «عدم امکان وکیل شدن شخصیت حقوقی» که بحثی مبنایی است، نیز مطرح می‌شود؛ بنابراین اگر کسی به بطلان معاملات در صورت اول قائل شود، از آنجایی که این صورت، ساده‌ترین صورت از معاملات فارکس است، عمده معاملات این بازار به نظر او باطل خواهد بود؛ زیرا بسیاری از اشکالات فراگیر می‌باشد و در همه صورت‌ها مطرح است؛ ولی اگر کسی اشکالات این صورت را پاسخ داده باشد، می‌تواند وارد صورت‌های بعدی بشود و اشکالات مختص آن صورت‌ها را نیز بررسی کند.

### ۲-۳. صورت دوم: معاملات نقدی به همراه اهرم

صورت دوم عبارت است از همان معامله نقدی که در صورت اول انجام می‌شود؛ با این تفاوت که معامله‌گر از اهرم استفاده می‌کند؛ به عبارت دیگر «معاملات اهرمی و مارجینی» انجام می‌دهند. گفته شد وقتی مشتری در کارگزاری افتتاح حساب می‌کند، حساب اهرمی او به این صورت است که وقتی مثلاً یک دلار در حسابش داشته باشد، کارگزار تسهیلات و اعتباری برای او در نظر می‌گیرد که یک به صد یا بیشتر و یا کمتر بتواند معامله کند؛ از این رو بر فرض یک به صد، این شخص با اینکه یک دلار به حساب واریز می‌کند، با ۱۰۰ دلار وارد معامله مبادلات ارزی می‌شود.

### اشکال

از آنجایی که تسهیلات و اعتبارات معامله اهرمی، قرض ربوی است، این معامله باطل است.

## بررسی اشکال

اثبات بطلان این معامله نیازمند مقدماتی است:  
مقدمه اول: حساب اهرمی، قرض ربوی است.

مقدمه دوم: در قرض ربوی، افزون بر اینکه شرط فاسد است و زیاده در ملک شخص وارد نمی‌شود، مشروط نیز فاسد است؛ یعنی قرض ربوی، از ریشه باطل است و قرض گیرنده مالک هیچ بخشی از قرض نمی‌شود، بلکه قرض در ملک قرض دهنده باقی می‌ماند.

این مقدمه نزد فقیهان اختلافی است. برخی معتقدند در قرض ربوی، تنها شرط، باطل است و قرض گیرنده مالک قرض می‌شود و قرض دهنده نیز تنها مالک اصل مال قرض داده شده می‌شود و مالک زیاده نمی‌شود (طباطبایی بزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸)؛ در مقابل، مشهور فقیهان (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۹۱؛ شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۹) معتقدند در قرض ربوی، قرض گیرنده مالک قرض نمی‌شود و قرض در ملک قرض دهنده باقی می‌ماند و قرض دهنده، مالک زیاده نمی‌شود که بر اساس این قول، معامله اهرمی با مشکل مواجه می‌شود.

مقدمه سوم: شخص با همان عین مال دیگران معامله انجام داده و یا اگر معامله کلی فی‌الذمه بوده، از همان ابتدا قصد داشته است که با مال دیگران (اعتبار حاصل از اهرم که قرض ربوی است)، ثمن را پرداخت کند که در هر دو صورت، اگر به بطلان قائل شویم، به تبع معامله باطل می‌شود.

در بررسی مقدمه سوم باید بگوییم: دو نوع معامله وجود دارد:

نوع اول: معامله شخصی

شخص با عین پولی که از کارگزاری گرفته، معامله انجام می‌دهد که به ظاهر معاملات موجود در بازار همین نوع می‌باشد؛ در این صورت معامله باطل است؛ زیرا با مال دیگران، معامله انجام داده است.

نوع دوم: معامله کلی فی‌الذمه

با عین پول قرضی معامله نمی‌کند؛ بلکه به صورت کلی در ذمه معامله می‌کند و

سپس بدهی خود را با پول قرضی پرداخت می‌کند که به‌ظاهر این نوع، صرفاً فرضی می‌باشد و در واقعیت چنین معاملاتی در فارکس رخ نمی‌دهد.

در حکم معامله نوع دوم، میان فقیهان اختلاف وجود دارد:

برخی معتقدند معامله اشکالی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۳۲)؛ اما پولی که شخص داده و با آن تسویه کرده، موجب براءة ذمه او نشده است؛ لذا از این رو هنوز به طرف مقابل بدهکار است؛ زیرا معامله با مال مردم نبوده و ثمن را به ذمه گرفته است؛ پس معامله صحیح است، ولی در مقام ادای دین با مال مردم ادای دین کرده است؛ از این رو دین او ادا نمی‌شود و شخص هنوز بدهکار است؛ گرچه پولی را که قرض ربوی بوده، به او پرداخت کرده است.

برخی دیگر از فقیهان معتقدند که اصل صحت چنین معامله‌ای محل کلام است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۶)؛ یعنی کسی که از ابتدا قصد دارد در عمل با مال مردم مبادله انجام بدهد، هر چند در ظاهر کلی فی‌الذمه خریده است، ولی در واقع راهی جز مبادله با مال غیر ندارد. اینکه بنای عقلا بر صحت چنین معامله‌ای باشد، محل کلام است؛ زیرا بنای عقلا بر صحت چنین معامله‌ای احراز نمی‌شود؛ پس دلیلی بر صحت چنین معامله‌ای باقی نمی‌ماند و از طرف دیگر، عمومات باب معاملات نیز شامل این معامله نمی‌شود؛ زیرا مفاد آنها نیز صحت معاملات عقلایی است؛ از این رو این معامله از جهت صحت، مشکوک می‌شود و در نتیجه استصحاب عدم ملکیت که همان اصابة الفساد است، جاری می‌شود.

### ۳-۳. صورت سوم: معامله مابه‌التفاوت

صورت سوم برای معامله فارکس، قرارداد مابه‌التفاوت (معامله CFD) است که باید مجاز بودن این معامله نیز از نظر شرعی بررسی شود.

سی. اف. دی. در لغت به معنای معامله برای اختلاف (contract for difference) است و در اصطلاح «نوعی قرارداد مشتقه معاملاتی است که به موجب آن خریدار و فروشنده توافق می‌کنند اختلاف نرخ بین قیمت باز و بسته‌شدن یک قرارداد معاملاتی بر اساس دارایی پایه مشخصی را به یکدیگر بپردازند. در معاملات CFD معامله‌گران، مالک

واقعی دارایی و سهام نخواهند بود؛ بلکه صرفاً از طریق پیش‌بینی از آینده قیمت دارایی‌ها، معامله خرید یا فروش را اخذ می‌کنند. در واقع در این نوع از معاملات، امکان نوسان‌گیری از تغییرات قیمت بدون تحویل فیزیکی و پرداخت کامل ارزش دارایی برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین در این معاملات، دوطرف با یکدیگر معامله انجام می‌دهند؛ اما در زمان تسویه، نقل و انتقال عوض و معوض به صورت فیزیکی یا اعتباری صورت نمی‌گیرد و ارزی با ارزش دیگر تبادل نمی‌شود؛ بلکه صرفاً ما به التفاضل ارزشها به طرف دیگر پرداخت می‌شود؛ برای مثال اگر با صد دلار، پنجاه یورو خریداری کرده است، در زمان تسویه اگر یورو که صد دلار بوده است، صد و بیست دلار شده باشد، خریدار یورو صرفاً بیست دلار را خواهد گرفت؛ درحالی که یورو تحویل نگرفته و دلار نیز تحویل نداده است و اگر قیمت یورو پایین‌تر آمده و هشتاد دلار شود، خریدار یورو باید بیست دلار پرداخت کند.

در ادامه نخست ادله مشروعیت این معامله که بر اساس نوسان‌گیری قیمت ارزشها در زمان سررسید و پرداخت مابه‌التفاوت عوض و معوض است، بررسی می‌شود و سپس احتمالات در مورد این معامله بیان می‌شود:

### ۳-۳-۱. بررسی ادله مشروعیت معامله مابه‌التفاوت

#### دلیل اول: عمومات معاملات

عمومات «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» شامل این معاملات می‌شود که بر این اساس - حتی اگر بنای عقلایی بر چنین معامله‌ای وجود نداشته باشد - صحت این معامله ثابت خواهد شد.

#### اشکال

در مورد عقد و تجارت سه احتمال وجود دارد (عقد و تجارت بودن در نظر

1. <https://fa.wikipedia.org> (<https://b2n.ir/n42064>)

متعاملین، نزد عقلا و نزد شارع)؛ طبق احتمال اول، عموماً جاری است و معامله صحیح است. طبق احتمال دوم، شرعیت معامله بر دلیل اول مبتنی می‌شود؛ یعنی اگر بنای عقلا بر معامله مابه‌التفاوت واقع شده باشد، می‌توان به عموماً تمسک کرد. طبق احتمال سوم، محل بحث شبهه مصداقی عموماً خواهد بود.

#### دلیل دوم: بنای عقلا

عقلای عالم چنین معامله‌ای را انجام می‌دهند؛ در نتیجه مشروعیت عقلایی پیدا کرده است. از طرف دیگر شارع نیز از آن ردع نکرده است؛ بلکه بر اساس عموماً، امضا هم شده است؛ چون طبق نظر حق، مبنای این عموماً، تحقق عقود عرفی است که با توجه به بنای عقلا، این معامله عقد عرفی محسوب می‌شود.

#### اشکال

صرف اینکه عده‌ای خاص، در یک جای خاص به نحو غیررسمی چنین معاملاتی انجام دهند، برای احراز بنای عقلا کافی نیست. افزون بر این، طبق برخی مبانی معاصرت بنای عقلا با عصر معصوم علیه السلام لازم است.

#### دلیل سوم: قاعده سلطنت

این قاعده به روایت «الناس مسلطون علی أموالهم» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۷۶؛ احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۲) مستند است؛ بر اساس این قاعده هر کسی می‌تواند هرگونه تصرفی انجام دهد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۸۷) که یکی از تصرفات و معاملات، معامله مابه‌التفاوت است.

#### اشکال:

در صورتی که قاعده سلطنت مشرّع دانسته شود، معامله مابه‌التفاوت صحیح خواهد شد، اما احتمالات دیگری نیز در مورد این روایت وجود دارد (حلی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۳۳۹).



### دلیل چهارم: قاعده تفویض

در روایات متعددی مانند «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ» یا «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفُوضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۳) آمده است که خداوند همه امور بندگان را به خودشان واگذار کرده، جز اینکه حق ندارند برای رفع احتیاجات زندگی، خود را ذلیل کنند؛ یعنی نباید کسب درآمد عنوان ثانوی پیدا کند که موجب ذلت شود. با قرارداد مابه‌التفاوت کسب درآمد می‌شود؛ پس صحیح است.

### اشکال

مفاد این روایات این است که در محدوده شرع آزادی وجود دارد که هر کاری انجام شود، جز اینکه اذلال نفس باشد؛ نه اینکه روایات در مقام تشریح باشند و یا همه امور را به خود مکلفین واگذار کرده باشند.

### دلیل پنجم: ادله لزوم وفای به شرط

بر اساس قاعده «المؤمنون عند شروطهم» (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۷۶) کسی که اقدام به معامله مابه‌التفاوت می‌کند، به نحوی تعهد داده است و تعهد هم نوعی شرط است. از آنجا که هر شرطی صحیح است، جز شرطی که حلال خدا را حرام و یا حرام را حلال کند، این معامله نیز صحیح و واجب‌الوفاء است.

### اشکال

برخی این قاعده را مختص شروط ضمن عقد دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۱) که در این صورت، قاعده شامل محل بحث نمی‌شود؛ اما اگر مبنای تعمیم این قاعده پذیرفته شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۳۸۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۹، ص ۴)، باید روشن شود که آیا این معامله حلال خدا را تحریم می‌کند یا خیر؟ وقتی شبهه وجود داشته باشد که با این معامله حلالی حرام می‌شود یا نه، دیگر نمی‌توان به قاعده «المؤمنون عند شروطهم» تمسک کرد؛ چون تمسک به عام در شبهه مصداقی عام خواهد بود.

### ۳-۲. بررسی احتمالات در قاعده مابه‌التفاوت

در این باره که چه عملی در معامله مابه‌التفاوت انجام می‌شود، چند احتمال وجود دارد:

#### احتمال اول: انجام معامله صوری

هر یک از دو طرف، معامله صوری انجام می‌دهند و اراده‌ی جدی بر انجام دادن بیع وجود ندارد؛ یعنی هدف از معامله این است که نوسان‌گیری صورت گرفته و مابه‌التفاوت را در زمان تسویه بگیرند.

طبق این احتمال، در مورد این معامله بنای عقلا وجود ندارد و عمل صورت گرفته عقد و تجارت نخواهد بود. افزون بر اینکه اکل مال به باطل است؛ چون کاری انجام نشده و صرفاً معامله‌ای صوری بوده است.

#### احتمال دوم: شرط‌بندی

یک نوع شرط‌بندی بر اساس نوسان‌گیری است؛ یعنی دو طرف شرط‌بندی کرده و متعهد می‌شوند که اگر قیمت دلار پایین بیاید، باید شخص به میزان قیمت پایین آمده به طرف مقابل بدهد. طبق این احتمال، اساساً عقد و معامله‌ای شکل نمی‌گیرد تا مشمول ادله باشد. در نتیجه مشمول «اکل مال به باطل» می‌شود.

#### احتمال سوم: قرارداد مستقل

قرارداد مستقل و جدیدالتأسیسی از سوی عقلا با نام «قرارداد نوسان‌گیری» است که بر اساس آن، دو طرف متعهد می‌شوند که مقداری پول در حساب آنها باشد و در پایان، نوسان‌گیری کرده و تسویه می‌کنند. در نتیجه قرارداد عرفی و عقلایی برای نوسان‌گیری است تا سودی نصیب دو طرف گردد. طبق این احتمال، یک نوع عقد عرفی و عقلایی است و تنها مشکل آن، رسیدن این معامله به حد عرفی و عقلایی است تا اینکه عقلای عالم این معامله را نوعی عقد دانسته و قرارداد بدانند. حال اگر عقلای عالم چنین معامله‌ای را بپذیرند، ادله‌ای که پیش‌تر مطرح شد - بنای عقلا، عمومات، قاعده تفویض

و... - مطرح خواهد شد. البته صرف اینکه برخی به شرکت در کلاس‌هایی برای آموزش چنین معاملاتی اقدام می‌کنند، دلیل بر عقلایی بودن این معامله نیست.

#### احتمال چهارم: قرارداد آتی بر اساس تسویه نقدی

از باب قرارداد آتی است که بر اساس تسویه نقدی صورت می‌گیرد؛ یعنی تعهد می‌کنند که در زمان سررسید، تسویه به صورت نقدی انجام گیرد، اما تنها مابه‌التفاوت گرفته شود. در بحث قرارداد آتی، این احتمال که از آغاز قصد داشته باشند که مابه‌التفاوت را بگیرند و تسویه نقدی انجام دهند، باطل است؛ چون اراده جدی بر آن وجود ندارد و تعهد صوری شده و شبیه احتمال اول است؛ با این تفاوت که در احتمال اول اراده صوری بر انجام معامله نقدی بوده و در اینجا اراده صوری بر معامله آتی است.

#### احتمال پنجم: شرط ضمن عقد برای پرداخت مابه‌التفاوت به صورت مصالحه‌ای

اراده جدی بر مقابله در حال حاضر وجود دارد؛ اما در ضمن معامله شرط شده است که تسویه نقدی کنند و مابه‌التفاوت را به همدیگر بدهند. این احتمال با مشکلی مواجه نیست؛ چون عقد و معامله همراه با شرط ضمن عقد انجام شده و آیات و روایات شامل آن می‌شود. تنها اشکالی که ممکن است مطرح شود، کالی به کالی بودن آن است که اولاً به جهت موجود بودن ارزشها، کالی به کالی نیست و صرفاً قبض و اقباض محقق نشده است که آن هم چون قبض و اقباض جزو ارکان عقد نیست، باعث بطلان بیع نمی‌شود؛ ثانیاً اگر بیع کالی به کالی هم باشد، بطلان یا عدم بطلان آن محل بحث است (ر.ک: عندلیبی، ۱۴۰۰، ج ۱، صص ۲۴۳ - ۲۹۹)؛ بنابراین طبق این احتمال، اشکالی منهای اشکالات صورت اول و دوم وارد نیست.

#### احتمال ششم: شرط ضمن عقد انجام معامله جدید در زمان تسویه

در زمان معامله شرط می‌شود که وقت تسویه، معامله جدیدی صورت گیرد تا طرف

مقابل ارز را به قیمت همان ساعت خریداری کند. در نتیجه ضمن عقد اول شرط می شود که عقد دوم انجام شود.

عمومات و قاعده «المؤمنون عند شروطهم» شامل این احتمال می شود؛ از این رو این معامله بیع العینیه مشروط است که مشروعیتش مورد اختلاف است. اگر کسی بیع العینیه مشروط را باطل بداند، این معامله باطل خواهد بود. به نظر ما بعید نیست این معامله صحیح باشد، البته در بیع العینیه مشخص است که با بیع سود می برد؛ چون نسیه می فروشد؛ اما در معامله مابه التفاوت سود مشخص نیست و ممکن است هر یک از بایع و مشتری سود ببرند؛ بنابراین قرارداد مابه التفاوت طبق برخی احتمالات به صورت واضح باطل است و طبق برخی دیگر قابل تصحیح است. البته این مطالب فارغ از اشکالات مطرح شده در صورت اول و دوم است.

### نتیجه گیری

در بررسی فقهی بازار فارکس، نخست ادله ممنوع بودن ورود به این بازار را که از سوی بانک مرکزی و سازمان بورس مطرح شده بود، بررسی کردیم و بیان شد که این ممنوعیت و جاهت قانونی لازم را ندارد و بر فرض قبول ممنوعیت فارکس در ایران، همچنان نیازمند تبیین حکم شرعی اولی این مسئله فارغ از ایران و غیر آن هستیم که در این زمینه پس از بررسی ادله، مشخص شد دلیل شرعی لازم بر اصل ممنوعیت این بازار وجود ندارد.

در ادامه به بررسی فقهی مشروعیت افتتاح حساب در این بازار و تحلیل شکل های سه گانه معاملات (معاملات عادی، معاملات مارجینی (اهرمی) و معاملات مابه التفاوت (CFD) پرداختیم که در مجموع هشت اشکال بر شکل اول وارد شد که پاسخ اکثر آنها بیان گردید و تنها در برخی از فرض ها، برخی اشکالات وارد بود. اما در شکل دوم، افزون بر اشکال های پیشین، اشکال ربوی بودن نیز مطرح می شد که گفتیم در صورت معامله با عین مال ربوی، باطل و در کلی فی الذمه طبق مبانی مختلف، حکم متفاوت می شود. در شکل سوم نیز که بر اساس نوسان گیری قیمت ارزها انجام می گرفت، ادله

مشروعیت آن طبق مبانی مختلف بررسی شد و احتمالات گوناگون درباره ماهیت این معامله مطرح گردید که عبارت بودند از: معامله صوری، شرط بندی، قرارداد مستقل، قرارداد آتی، شرط ضمن عقد مصالحه‌ای و شرط ضمن عقد معامله جدید. البته تفصیلاتی نیز از قبیل اینکه معامله را خود شخص انجام دهد یا کار گزار و یا اینکه معامله عادی باشد یا صوری، مورد توجه قرار گرفت و حکم هر یک بیان گردید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

\* قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۳۷۵). کفایة الأصول (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲. احسائی، ابن ابی جمهور. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی (ج ۱، چاپ اول). قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان (ج ۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۴. امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب الطهارة (ج ۱، چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ج ۵ و ۳، چاپ اول). قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة (ج ۱۹، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۷. برارپور، ابراهیم. (۱۳۹۷). تبیین ماهیت و چیستی بازار فارکس و بایسته های آن در فقه و حقوق ایران. پژوهش نامه حقوق خصوصی عدالت، ش ۱۰، صص ۹-۳۳.
۸. حائری، کاظم. (۱۳۸۱). فقه العقود (ج ۱، چاپ دوم). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۹. حرعاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۷، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حلی، حسین. (۱۴۳۲ق). اصول الفقه (ج ۴، چاپ اول). قم: مکتبه الفقه والاصول المختصة.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۳۰ق). رسائل فقهیة (ج ۵، چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد والفوائد (ج ۱، چاپ اول). قم: کتابفروشی مفید.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۱۴. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم. (۱۴۱۴ق). تکملة العروة الوثقی (ج ۱، چاپ اول). قم: کتابفروشی داوری.
۱۵. طباطبایی نژاد، سیدصادق. (۱۴۰۰). موضوع شناسی بازار فارکس. معرفت، ش ۲۸۱، صص ۷۷-۸۴.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۰ق). النهایة (چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة (ج ۵، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۹. عندلیبی، علی. (۱۴۰۰). فقه بورس و اوراق بهادار (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمی قم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۵، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۱. محقق حلی، جعفر بن الحسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام (ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر). (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام (ج ۲۲، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. نوری، سمیه؛ سالارزایی، امیرحمزه و مختاری، نادر. (۱۳۹۸). افراکتی تحلیل فقهی بازار بین المللی فارکس با تکیه بر ممنوعیت آن در قوانین ایران. پژوهش نامه حقوق اسلامی، ش ۴۹، صص ۷۷-۹۶.

24. <https://nezarat.com>

25. <https://fa.wikipedia.org/wiki> (<https://b2n.ir/n97144>)

26. <https://www.cbi.ir/showitem/2175.aspx>

27. <https://www.sena.ir/news/5796>

28. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa7782>

29. <https://fa.wikipedia.org> (<https://b2n.ir/n42064>)

30. <https://kharazmi.net> (<https://b2n.ir/f18008>)

## References

\*Holy Quran

1. Ahsa'i, I. A. A. (1405 AH). *Awali al-La'ali* (Vol. 1, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Sayyid al-Shuhada Publishers. [In Arabic]
2. Akhund Khorasani, M. K. (1375 AP). *Kifayat al-Usul* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation for the Preservation of Heritage. [In Persian]
3. Allamah Hilli, H. (1413 AH). *Mukhtalaf Al-Shi'ah* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 5). Qom: Islamic Publications Office of the Teachers' Society. [In Arabic]
4. Andalibi, A. (1400 AP). *Fiqh-e-Bourse va Avraq-e-Bahadar* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 1). Qom: Management Center of the Qom Seminary. [In Persian]
5. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib* (1<sup>st</sup> ed., Vols. 3 & 5). Qom: Congress in Commemoration of Sheikh Azam. [In Arabic]
6. Ardabili, A. (1403 AH). *Majma al-Faidah wa al-Burhan* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 8). Qom: Islamic Publications Office of the Teachers' Society. [In Arabic]
7. Baharani, Y. (1405 AH). *al-Hada'iq al-Nadhira* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 19). Qom: Islamic Publications Office of the Teachers' Society. [In Arabic]
8. Bararpour, I. (1397 AP). Explaining the Nature and Characteristics of the Forex Market and Its Requirements in Iranian Law and Jurisprudence. *Private Law Justice Research Journal*, 10, pp. 9-33. [In Persian]
9. Ha'iri, K. (1381 AP). *Fiqh al-Uqud* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Qom: Islamic Thought Assembly. [In Arabic]
10. Hilli, H. (1432 AH). *Usul al-Fiqh* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 4). Qom: Maktabat al-Fiqh wa al-Usul al-Mukhtasah. [In Arabic]
11. Hurr Amili, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'ah* (1<sup>st</sup> ed., Vols. 17, 19, 21 & 27). Qom: Aal al-Bayt Foundation. [In Arabic]
12. Imam Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Taharah* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 1). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
13. Kulayni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (4<sup>th</sup> ed., Vols. 1 & 5). Tehran: Dar Al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]



14. Muhaqqiq Hilli, J. (1408 AH). *Shara' Al-Islam* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 2). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
15. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam* (7<sup>th</sup> ed., Vol. 22). Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
16. Nouri, S., Salarzai, A. H., & Mokhtari, N. (1398 AP). A Jurisprudential Analysis of the Forex Market with Emphasis on Its Prohibition in Iranian Law. *Islamic Law Research Journal*, 49, p. 77. [In Persian]
17. Sobhani Tabrizi, J. (1430 AH). *Risalat al-Fiqhiyah* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 5). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
18. Shahid Awwal, M. (n.d.). *Al-Qawa'id wa al-Fawaid* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 1). Qom: Mofid Bookstore. [In Arabic]
19. Shahid Thani, Z. A. (1413 AH). *Masalik al-Afham* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 2). Qom: Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic]
20. Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1414 AH). *Takmilah al-Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Davari Bookstore. [In Persian]
21. Tabatabai-Nejad, S. S. (1400 AP). Subject Analysis of Forex Market. *Ma'rifat*, (281), pp. 77-84. [In Persian]
22. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khilaf* (Vol. 3, 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office of the Teachers' Society. [In Arabic]
23. Tusi, M. (1400 AH). *Al-Nihayah* (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi. [In Arabic]
24. <https://nezarat.com>
25. <https://fa.wikipedia.org/wiki> (<https://b2n.ir/n97144>)
26. <https://www.cbi.ir/showitem/2175.aspx>
27. <https://www.sena.ir/news/5796>
28. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa7782>
29. <https://fa.wikipedia.org> (<https://b2n.ir/n42064>)
30. <https://kharazmi.net> (<https://b2n.ir/f18008>)